

<https://pecritique.com/>

نقد اقتصاد سیاسی
مردادماه ۱۴۰۲

کل دنیا بیشتر شبیه روسیه می شود گفت‌وگویی در باب جهانی‌زدایی پس از جنگ اوکراین

گفت‌وگوی اشتفان اشمالز و یانینا پودر با

بوریس کاگارلیتسکی

ترجمه‌ی عرفان آقایی



کل دنیا بیش‌تر شبیه روسیه می‌شود

چکیده: یورش روسیه به اوکراین پیامدهای منفی عمیقی بر نظام بین‌المللی و اقتصاد جهانی دارد. در این گفت‌وگو، بوریس کاگارلینسکی، استاد مدرسه‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی مسکو و تحلیل‌گر باسابقه‌ی جامعه‌ی روسیه و اقتصاد سیاسی جهانی، آثار جنگ بر اقتصاد روسیه، بخش مالی و سرآمدان روسیه را به بحث می‌کشد. به‌علاوه، کاگارلینسکی بحران ادامه‌دار جهانی‌سازی، خاصه تحریم‌های غرب، قیمت رو به افزایش کالاها و نقش فعلی چین را تحلیل می‌کند.

کلید واژه‌ها: تحریم‌ها؛ گاز؛ چین؛ دگردیسی اجتماعی-اکولوژیک؛ سرمایه‌داری؛ جهانی‌زدایی.

تهاجم روسیه به اوکراین فقط منجر به مرگ، تخریب، و جابجایی [مردم] نشده، بلکه اثری عمیق بر نظام بین‌المللی و اقتصاد جهان داشته است. تحریم‌های غرب حتی گسستگی‌های ملی و تجاری مرتبط با جنگ را وخیم‌تر کرده است، گسستگی‌هایی که از پیش نیز قابل مشاهده بودند. بسته‌های تحریمی تحمیل‌شده توسط ایالات متحده، اتحادیه‌ی اروپا، بریتانیا و متحدان‌شان، بخش‌های مهمی از اقتصاد روسیه (یازدهمین اقتصاد بزرگ دنیا در ۲۰۲۱) را از بازار جهانی جدا کرده است. همزمان، دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا وابستگی خود به واردات نفت و گاز روسیه و نگرش ژئواقتصادی‌شان به «تغییر از طریق تجارت» (Wandel durch Handel، جمله‌ای پرتکرار و واضح در میان سرآمدان سیاسی آلمان) را به پرسش کشیده‌اند. بسیاری از ناظران، نظیر سردبیر نیویورک تایمز، اسپنسر بوکات لیندل (۲۰۲۲)، حتی این پرسش را طرح کرده‌اند که آیا ممکن است جنگ اوکراین، همزمان که جهان یک دوره‌ی جهانی‌زدایی اقتصادی را از سر می‌گذراند، «منتج به پایان جهانی‌سازی» شود (همچنین بنگرید به پوزن ۲۰۲۲).

در پی این رخدادها، نامشخص است که درازای جنگ اوکراین چقدر خواهد بود و چه جهتی به خود خواهد گرفت. به‌هرروی، جنگ اوکراین می‌تواند برای نظام اقتصادی و سیاسی جهان، بدل به یک «نقطه‌ی گسست» تاریخی (رزا ۲۰۲۰) شود. آثار آن

می‌تواند بلندمدت باشد و موجب تغییراتی جامعه‌گی^۱ شود: اولاً، تعارض اوکراین در حال ایجاد گسل‌ها و شکستگی‌های جدیدی در جهانی‌سازی است. برخلاف دورنمای کمبود گاز ناگهانی و گسست‌های [ایجاد شده در] زنجیره‌ی تأمین، شرکت‌های فراملی و حکومت‌های غربی در حال ارزیابی مجدد خطرات تولید جهانی شده هستند. «حمایت از دوستان»^۲ (می‌هولد ۲۰۲۲) لغت باب جدید اندیشکده‌هایی است که بر ضرورت در نظر گرفتن خطرات ژئوپلیتیک در هنگام برقرار ساختن زنجیره‌های تأمین جهانی تأکید دارند. ثانیاً، همزمان که تلاش پوتین برای ضمیمه کردن اوکراین طی جنگی کوتاه رو به ضعف می‌گذارد و تحریم‌های غربی به اقتصاد روسیه ضربه می‌زند، حکومت این کشور مجبور است شرکایی جدید بیابد. در حال حاضر، یکی از نزدیک‌ترین متحدان روسیه چین است؛ یک بازار عظیم بالقوه برای صادرات نفت و گاز روسیه. به علاوه، چین با محصولات تکنولوژیک و قطعات یدکی به شدت مورد نیاز روسیه قادر به پشتیبانی از این اقتصاد به‌دردسر افتاده خواهد بود. اما چین تا به حال تمایلی نداشته به ریسک تحریم‌های غربی علیه کمپانی‌های کشورش مبادرت کند. ثالثاً، جنگ اوکراین اتحادیه‌ی اروپا را دچار شوک کرد، چرا که اروپا در حال پیش برد فرایند تحول اجتماعی-اکولوژیکی بلندمدتی است و در پی رسیدن به کربن صفر تا سال ۲۰۵۰ میلادی. این «دگردیسی بزرگ نوین» (دور ۲۰۱۹) که ملهم از «گرین دیل اروپا» است، اکنون تحت فشار شدیدی قرار دارد، چرا که باید واردات نفت و گاز روسیه به سرعت با دیگر منابع انرژی تعویض شود. این تحول منجر به بسط عظیم واردات گاز طبیعی مایع (و حتی آلوده‌تر) از ایالات متحده و احیای احتمالی انرژی هسته‌ای شده است. رابعاً، افزایش هزینه‌های زندگی که ناشی از قیمت‌های بالاتر غذا، گاز و نفت هستند، اثری جهانی خواهد داشت. [آغاز] یک «چرخه‌ی ستیز» (تارو ۱۹۹۸) جدید که نیروی پیش‌برنده‌ی آن تورم است و با اعتصابات و اعتراضات اجتماعی در اروپا و شورش‌های غذا در آفریقا همراه است، یک سناریوی احتمالی برای اواخر ۲۰۲۲ میلادی است. در حالی که پیش‌بینی عواقب «زمستان نارضایتی» این‌چنینی دشوار است، اعتراضات احتمالاً بر

^۱ societal

^۲ friendshoring

سیاست ک شورهای تأثیر می گذارد که واردکننده ی گاز و غذا هستند. به هر روی، اقتصاد جهانی متحول می شود، جنگ تأثیری دیرپای بر وضعیت اقتصادی-اجتماعی جهان و شانس زندگی بخش های عظیمی از جمعیت جهان خواهد داشت. خامساً، تحلیل تأثیر جهانی جنگ اوکراین بدون قرار دادن آن درون دوره ی بلندمدت بحران مالی ۲۰۰۸/۲۰۰۹ دشوار است. بسیاری از پژوهشگران استدلال کرده اند که نولیبالیسم و همچنین الگوی توسعه ی نفت محور روسیه از آن زمان در بحران به سر برده اند (جانسون و کاستم ۲۰۱۶). امروزه، جنگ و تحریم ها بسیاری از کمپانی های غربی را به ترک روسیه واداشته است و رژیم پوتین را مجبور کرده مسیر منزلی را پیش بگیرد. این مسیر مبتنی بر الگوی اقتصادی درون نگرتری است و نتایج این الگو نیز مبرهن است. از این رو جنگ اوکراین پرسش های بسیاری را حول آینده ی روسیه و نظام جهانی سرمایه داری طرح کرده است. برای پاسخ به این پرسش ها، مصاحبه ای را با بوریس کاگاریتسکی (استاد مدرسه ی علوم اجتماعی و اقتصادی مسکو و تحلیل گر با سابقه ی جامعه ی روسیه و اقتصاد سیاسی جهانی) انجام دادیم. در این مصاحبه، کاگاریتسکی (نویسنده کتاب های نظیر *اضمحلال امر یکپارچه و امپراتوری حاشیه: روسیه و نظام جهانی*) وضعیت فعلی جامعه و اقتصاد روسیه و همچنین تأثیر جهانی جنگ را بررسی می کند.

اشتفان اشمالز: در پی تهاجم روسیه به اوکراین، ایالات متحده و متحدانش بر سر تحریم هایی گسترده علیه روسیه توافق کرده اند. آیا می توانید در مورد بستر اقتصادی و سیاسی گسترده تر این تحریم ها کمی بیشتر توضیح دهید؟

بوریس کاگاریتسکی: به طرز مضحکی، تعارض ژئوپلیتیک فعلی و تحریم ها نه علت بلکه معلول فرایند گسترده تری هستند که پیش تر با رکود بزرگ ۲۰۰۸-۲۰۱۰ آغاز شد. در هنگام بحران آشکار شد که نه تنها جهانی سازی و نولیبالیسم به انتهای خود رسیده اند بلکه در سرتاسر دنیا، در غرب، چین، روسیه و اوکراین، گذار به سوی یک الگوی توسعه ی نوین اجتناب ناپذیر شد، که با وضعیت اجتماعی و سیاسی موجود در تعارض بود. این مجموعه [از رویدادها] منجر به فاجعه ی فعلی شده است. بنابراین وضعیت فعلی، نمونه ای از «دیالکتیک تاریخ» است: هنگامی که تعارضی میان الزامات

و منطق ابژکتیو فرایند و منافع سوپژکتیو گروه‌های در قدرت وجود دارد، رویدادهای فاجعه‌بار، جنگ‌های بزرگ، انقلاب‌ها، بحران‌های جهانی و... رخ می‌دهند. در نمونه‌ی روسیه، الگوی توسعه‌ی نولیبرال این کشور پیشاپیش از آغاز رکود بزرگ ۲۰۰۸-۲۰۱۰ در تنگنا قرار داشت. امروزه، تنش اجتماعی عظیمی در روسیه وجود دارد. از زمان اصلاح دستمزدها در سال ۲۰۱۸، رژیم روسیه بیش از پیش محبوبیت خود را از دست داده است. سرآمدان روسیه تلاش کردند تا تاریخ را تکرار کنند. هنگامی که در ۲۰۱۴ شبه‌جزیره کریمه از اوکراین گرفته شد، موجی از میهن‌پرستی وجود داشت. اما امروزه وضعیت متفاوت است، و پوتین و یارانش کاملاً روند جنگ را نادرست محاسبه کردند. اکنون سرآمدان روسیه در تلاشند تا همه‌ی کاسه‌وکوزه‌ها را بر سر غرب و اوکراین خراب کنند، در حالی که در واقعیت جنگ نتیجه‌ی سوءمدیریت خودشان بود.

اشتفان اشمالز: بیاید از نزدیک‌تر به تحریم‌های تحمیل‌شده نگاه بیندازیم. هدف یکی از این تحریم‌ها بخش مالی بود. به‌عنوان مثال، نهادهای مالی مهم روسیه از سویست کنارگذاشته شدند و بانک مرکزی ملی روسیه از دادوستد مالی منع شد. آیا می‌توانید اثر این تحریم‌ها را بر نظام بانکی، اقتصاد و به‌صورت کلی‌تر، عامه‌ی مردم روسیه توضیح دهید؟

بوریس کاگارلیتسکی: فکر می‌کنم در این نقطه نظام بانکی روسیه به‌شدت در مضیقه قرار دارد، اما تاکنون فرونپاشیده است و به‌خاطر ذات نظام بانکی روسیه که به‌صورت شدیدی با شرکت‌های بزرگ و دولتی درهم‌تنیده است، فکر نمی‌کنم چنین بشود. این مسئله فقط مرتبط با نظام مالی نیست، بلکه همچنین مرتبط با سلطه‌ی اولیگارشیک است. به‌هرروی، بانک‌ها و نهادهای مالی در حال ایجاد تنشی شدید در اقتصاد و جامعه هستند. همه‌چیز در عین حال که به سازوکار خود ادامه می‌دهد، اما سازوکار خود را به شدت ضعیف به‌پیش می‌برد. مردم عادی با مشکلات فنی بسیاری در زندگی روزمره‌ی خود روبه‌رو هستند؛ برای مثال هنگامی که به خارج کشور پول ارسال می‌کنند یا از آن‌جا پول دریافت می‌کنند، یا حتی هنگامی که بین بانک‌های داخل کشور پول جابجا می‌کنند. این معضلات اغلب جزئی‌اند، اما به‌هرحال زمان زیادی از آدم می‌گیرند. به‌عنوان مثال، دیگر نمی‌توانم مثل سابق با گوشی موبایلم پول جابه‌جا

کنم. به علاوه، مبادلات بین‌المللی هر روز از روز قبل گران تر می‌شوند. جریان‌های مالی اکنون در مراکز مالی اوکراین، قزاقستان و ازبکستان جریان دارند که سود بسیاری بابت فراهم کردن امکان دادوستدهای بین‌المللی روسیه به جیب می‌زنند. اما این روش تنها برای افراد و شرکت‌های کوچک و متوسط کار می‌کند. وقتی پای میلیون‌ها دلار وسط باشد، این شیوه دیگر کار نمی‌کند. وضعیت برای شرکت‌های بزرگ به مراتب بدتر است، به خصوص برای بخش تولیدی. بدون نظام پرداختی بین‌المللی، کارخانه‌های روسیه نمی‌توانند محصولات خود را به خارج از کشور بفروشند و نمی‌توانند بابت کالاهای وارداتی پول بپردازند و تأمین مالی این کار را انجام دهند. علاوه بر تحریم‌های مالی، تحریم‌های اقتصادی غرب نیز دسترسی به مواد و قطعات یدکی مهم را قطع می‌کند. برای مثال، کارخانجات تولید خودروی روسیه اکنون در معضلی جدی قرار دارند.

اشفتان اشمالز: اخیراً گزارش شده که در پی تحریم‌ها و به سبب فقدان قطعات یدکی صنایع خودرویی روسیه مجبور شده‌اند که مجدداً بر الگوهای دوران شوروی تکیه کنند. می‌توانید در مورد آثار تحریم‌ها بر بخش تولیدی کمی بیشتر به ما بگویید؟

بوریس کاگاریتسکی: به مدت دو یا سه ماه، تحریم‌ها هیچ تأثیری بر بخش تولید روسیه نداشتند. به طرز خنده‌آوری، کارایی پایین صنعت روسیه بدل به عاملی خوشایند در مقابله با تحریم‌ها شد. بسیاری از شرکت‌های روسیه یادگرفته‌اند که موجودی عظیمی از تجهیزات و قطعات یدکی را انبار کنند. این سنتی است که به زمان شوروی برمی‌گردد و علت آن فقدان اعتماد اغلب شرکت‌ها به شبکه‌های لجستیکی و تأمین‌کنندگان‌شان بود. عجیب آن‌که، این عادت بدل به نوعی درمان در طول دوران تحریم‌ها گشت، خاصه در طول دو یا سه ماه اول. به این علت بود که سیاستمداران روسی پیروزمندانه اعلان کردند روسیه حتی تحریم‌ها را حس نمی‌کند و این امر نیز تا حدی حقیقت داشت. اما این وضعیت دیری نپایید. در حول و حوش ژوئیه‌ی ۲۰۲۲، موجودی انبارهای صنعت روسیه رو به اتمام گذاشت. و از آن زمان تا به حال، مشاهده‌ی این اضمحلال اقتصادی ممکن شده است؛ اضمحلالی که اکنون، یعنی درست در همین لحظه، در حال وقوع است.

اشتفان اشمالز: آیا می‌توانید نمونه‌ای دیگر از زوال اقتصادی در روسیه به‌دست

دهید؟

بوریس کاگارلیتسکی: بله، به‌عنوان مثال، بیاید بخش حمل‌ونقل را در نظر آوریم. امروزه، ایروفلوت در حال نابود کردن ناوگان هوایی خود است. این شرکت قادر به استفاده از تمام ناوگانش نیست، زیرا بسیاری از پروازهای بین‌المللی‌اش لغو شده است. از این‌رو، ایروفلوت در حال اوراق کردن ناوگان خود برای تأمین قطعات یدکی موارد تعمیراتی‌اش است. به‌هرروی، شرکت‌های هواپیمایی منطقه‌ای کوچک‌تر با ناوگانی در حدود ده هواپیما نمی‌توانند چنین کاری انجام دهند و در نتیجه تعدادی از آن‌ها در حال خروج از این کسب‌وکارند. برای برخی مناطق در شرق دور و شمال دور وضعیت بسیار تراژیک است. آنان قادر به ارتباط با بقیه‌ی روسیه و جهان نیستند. از این‌رو، در جاهایی مانند یاکوتیا [شهری در سیبری روسیه] (که فوریه در آن‌جا بودم) این مسئله بدل به معضلی جدی شده است. به‌هر حال، یاکوتیا یکی از معدود مناطقی است که کماکان برخی عناصر دموکراسی و آزادی سیاسی را حفظ کرده است. هیچ بازداشت سیاسی‌ای در این منطقه وجود نداشته است. گرچه، من با نمایندگان محلی شورای جمهوری منطقه در فوریه گفت‌وگو کردم و آنان به‌شدت نگران آن بودند که مبادا یاکوتیا از الباقی کشور، به‌خصوص از جهت حمل‌ونقل هوایی جدا شود.

یانینا پودر: همان‌طور که تا به حال شرح داده‌اید، تحریم‌ها نتایج همه‌جانبه‌ای در برداشته است. راه‌آهن روسیه حتی از اروپا تقاضای رفع تحریم‌های اعمال شده را داشته، چرا که تأثیراتی منفی بر شهروندان عادی گذاشته است.

بوریس کاگارلیتسکی: بله، به صورت عمومی این درخواست را اعلان کردند. اما به‌جد شک دارم که غرب قصد معاف کردن راه‌آهن روسیه از تحریم‌ها را داشته باشد، چرا که از راه‌آهن برای انتقال تجهیزات نظامی استفاده می‌شود. از نظرگاه نظامی، راه‌آهن خیلی مهم‌تر از حمل‌ونقل هوایی غیرنظامی است، که راه بسیار گران‌تری برای حمل‌ونقل رسته‌های نظامی از یک بخش کشور به بخش دیگری است. معضل اینجاست که لوکوموتیوها به‌مانند سایر شاخه‌های صنعت روسیه، به قطعات یدکی و تکنولوژی خارجی وابسته هستند. توأم با به‌کارگیری خط‌مشی به‌اصطلاح «جایگزینی واردات» که

همزمان با شروع تحریم‌های ۲۰۱۴ (به خاطر تسخیر کریمه) علیه روسیه آغاز شد، وابستگی روسیه حتی افزایش یافته است. در آن زمان، روسیه با سرهم‌بندی قطعات خارجی شروع به تولید کالاهایی با برجسب «ساخت روسیه» کرد که هدف تولیدکنندگان از این کار دریافت یارانه بود.

اشتفان اشمالز: از نظرگاه تاریخی، جایگزینی واردات یکی از استراتژی‌های مهم صنعتی‌سازی متأخر تلقی می‌شد. به‌عنوان مثال، بعد از رکود بزرگ ۱۹۲۹، تجارت بین‌الملل فروپاشید و در نتیجه‌ی این فروپاشی، بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین نوعی استراتژی صنعتی‌سازی را پی گرفتند که بازار داخلی آن را به پیش می‌برد. چندین پژوهشگر مکتب وابستگی، نظیر رائول پربیش (۱۹۵۰) و آندره گوند فرانک (۱۹۶۶)، بعدتر استدلال کردند که رکود بزرگ به شکل تناقض‌آمیز فرصتی طلایی برای توسعه‌ی ملی بود. امروزه این امر در مورد روسیه به چه ترتیب است، آیا جایگزینی واردات اثری مثبت نیز داشته است؟

بوریس کاگاریلتسکی: فکر می‌کنم حقیقتاً خط‌مشی جایگزینی در یک بازار نولیبرال و توام با حکومتی فاسد کارایی ندارد. این استراتژی بدون «دولتی قدرتمند» و کنترل سرمایه کار نمی‌کند. تا این‌جا، جایگزینی واردات روسیه عمدتاً به‌خاطر دریافت یارانه و مزایا از برنامه‌های حکومت بوده و از این‌رو تولیدکنندگان صرفاً مجبورند که روی تولیدات‌شان برجسب «ساخت روسیه» بزنند. ساده‌ترین روش برای انجام این کار خرید قطعات خارجی و سرهم کردن آن‌ها در روسیه است. جایگزینی واردات در روسیه بیشتر اوقات نیز به معنای جایگزینی کالاهای وارداتی غربی با کالاهای وارداتی چینی است. در برخی موارد، حتی این کالاهای چینی شامل محصولات روسی تقلبی نیز می‌شوند. جوک‌هایی درباره‌ی میگوهای بلاروسی وجود دارد. اما بلاروس اصلاً دریا ندارد؛ باوجوداین، بلاروس موفق شده که قسمت اعظمی از غذاهای دریایی روسیه را تأمین کند. چرا؟ چون بلاروس محصولات را از لهستان یا نروژ می‌خرد، آن‌ها را مجدداً بسته‌بندی می‌کند و برجسب «تولید بلاروس» بر آن‌ها می‌زد و به روسیه مجدداً می‌فروخت.

یانینا پودر: آیا فکر می‌کنید الگوی «سرمایه‌داری رانتی» روسیه (کریستوفر ۲۰۲۲)، که مبتنی بر مالکیت منابع طبیعی به‌دست یک گروه کوچک اولیگارشی است، مانع جایگزینی واردات است؟

بوریس کاگاریلتسکی: بله، دقیقاً! جایگزینی واردات می‌تواند کارا باشد، اما تنها اگر حکومت و دولت تحت سلطه‌ی الیگارشی نولیبرال و صادرات مواد خام نباشد. و حتی اگر حکومت روسیه همین حالا نیز به‌جد در این راستا تلاش کند، دیگر خیلی دیر شده است. امروزه، حکومت اغلب به تجربه‌ی شوروی در دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی ارجاع می‌دهد، اما تفاوتی بزرگ وجود دارد: در دهه‌ی ۱۹۳۰، اقتصاد شوروی از باقی دنیا جدا نبود و تحت تحریم قرار نداشت. برعکس، آن دوران ماه‌ها عسل تجارت بین‌المللی شوروی بود، زیرا در طول رکود بزرگ، کل دنیا از فروش کالاهای خود به شوروی و جبران از دست رفتن بازار صادرات‌شان در جاهای دیگر خوشحال بودند. از این رو، شوروی از فروش عظیم تکنولوژی‌ها و تجهیزات ارزان بهره برد. نتیجتاً، صنعتی‌سازی شوروی نه‌فقط مبتنی بر کلکتیویزه‌سازی (همراه با قربانیان فراوانش)، بل مبتنی بر تجارت بین‌المللی بود. من این فرایند را در کتابم، *امپراتوری حاشیه* (کاگاریلتسکی ۲۰۰۸)، همچنین بنگرید به شوبین ۲۰۰۹، کولپانف ۲۰۱۸) شرح داده‌ام. امروزه، به‌دلایلی مشابه با دلایل یک دهه‌ی قبل، سرآمدان روسیه قادر به حل معضلات جایگزینی واردات و بازصنعتی‌سازی نیستند، اما وضعیت نیز رو به‌وخامت بیشتر است. حکومت با مشکلات مالی عظیمی روبه‌روست.

یانینا پودر: چه نوع مشکلات مالی؟

بوریس کاگاریلتسکی: تحریم‌ها اثر جانبی عجیبی دارد. علی‌رغم آن‌که غرب و حکومت روسیه خواستار قدرتمند شدن روبل نبودند، قدرتمندتر شد. همه انتظار داشتند که روبل در اثر تحریم‌ها تضعیف شود. غرب نمی‌خواست روبل را قدرتمند سازد، برعکس می‌خواست نظام مالی روسیه را تضعیف کند. اما جنبه‌ی جالب توجه ماجرا چرایی نگرانی روسیه بابت روبل قدرتمند است. بالاتر از هر چیزی، درآمدهای روسیه مبتنی بر درآمد صادراتی حاصله از نفت و گاز و چندین ماده‌ی خام دیگر است. به این علت، روبل ضعیف کمک بسیاری به تأمین مالی دولت روسیه می‌کند. امروزه، همان

کل دنیا بیش‌تر شبیه روسیه می‌شود

درآمد صادراتی مشابه [با قبل جنگ] سی درصد کم‌تر از قبل کفاف مخارج مستمری‌ها، دستمزد کارکنان دولت، مزایای اجتماعی و پول خود بوروکرات‌های دولت را می‌دهد. بار دیگر، فساد ایفای نقش می‌کند: در روسیه‌ی امروزین، حداقل ۲۰ یا حتی ۳۰ درصد از سرمایه پروژه‌های مهم دزدیده می‌شود. و فقدان سرمایه نیز بر اقدامات روسیه در جنگ تأثیر می‌گذارد.

اشتفان اشمالز: و چرا بهای روبل آن‌قدر زیاد افزایش یافته است؟

بوریس کاگارلیتسکی: کاملاً غیرعادی است، اما نتیجه‌ی منطقی تحریم‌هاست. تجارت بین‌المللی فروپاشیده، توریسم نابود شده و وقتی نمی‌توانی چیزی از خارج کشور بخری، دیگر میلی به ابتیاع ارز خارجی نشان نمی‌دهی. چون واقعاً بدان نیاز نداری. همان‌طور که واردات متوقف شده، پس تقاضا برای ارز خارجی نیز متوقف شده است. بخش‌های عظیمی از طبقه‌ی متوسط روسیه پس‌اندازهای خود را در قالب دلار یا یورو ذخیره کرده‌اند. به‌هر حال، پس‌اندازهای آنان به‌جای آن‌که ضامن حفاظت مالی در ایام بحران باشد، ارزش خود را از دست داده است. اندکی از آنان گرایش به باور توطئه‌ای از جانب بانک مرکزی یا حکومتی دارند که پس‌اندازهای آنان را می‌رباید. در عین حال، قیمت‌ها رو به افزایش است و مردم هم‌زمان که درآمدهای‌شان کاهش می‌یابد، پول اندکی برای زندگی روزمره‌شان باقی می‌ماند. در نتیجه، علی‌رغم ترقی قیمت روبل، مردم اعتماد اندکی به آن دارند. بسیاری از مردم و شرکت‌ها در مضیقه‌ی بی‌پولی قرار دارند. به‌هر حال، بانک مرکزی و وزیر دارایی خوف تورم دارند. به این علت است که از چاپ پول خودداری می‌کنند. از این‌رو، آنان این شکاف را با نقدینگی پر نمی‌کنند. این پدیده‌ای بسیار جالب در تاریخ اقتصاد است: ترکیبی عجیب و غریب از تورم رکودی و تورم‌زدایی توأمان. این مسئله احساس دلهره‌ی عظیمی ایجاد می‌کند فکر می‌کنم وضعیت روسیه از بسیاری جهات منحصر به فرد است. من هرگز با چنین چیزی روبه‌رو نشده‌ام. بنابراین، فکر می‌کنم تحریم‌های مالی عمل می‌کنند، اما نه آن‌طور که برنامه‌ریزی شده‌اند.

اشتفان اشمالز: بسیاری از کمپانی‌های غربی اعلام کرده‌اند از بازار روسیه عقب

می‌کشند، به عنوان نمونه مک‌دونالد روسیه را ترک کرده است. این شرکت توسط

لیگارش اهل سیبری، الکساندر گور، خریداری شد و نامش به **vksuno I tochka** (خوش طعم است و همین و بس) تغییر یافت. تغییرات بازار داخلی در روسیه به چه ترتیب است؟

بوریس کاگارلیتسکی: خب، اوضاع رو به خرابی است، اما نه خیلی سراسر است. و صدا البته، بسیاری از مشاغل از دور خارج خواهند شد. در نمونه‌ی شرکت‌های فست‌فود زنجیره‌ای، نظیر مک‌دونالد، می‌توان شرکت‌هایی را جایگزین آن‌ها کرد. تولید همبرگر با تکنولوژی نازل هم ممکن است، به خصوص از این جهت که مک‌دونالد پس از ترک روسیه اکثر تجهیزات خود را برجای گذاشته است. برخی از مردم از کیفیت همبرگرها شکایت دارند. اما این امکان جایگزینی بستگی به آن بخش دارد؛ همان‌طور که پیش‌تر به تفصیل در خصوص بخش صنعتی صحبت کرده‌ام. در برخی موارد، وقتی کمپانی خارجی بازار داخلی روسیه را ترک می‌کند، رقیبان روسی‌شان حتی از این مسئله بهره خواهند برد. بنابراین، بخش‌های اندکی از اقتصاد روسیه وجود دارد که در آن‌ها محلی‌ها سمت پیروز بحران می‌شوند. همواره چنین بوده است. در میان شرکت‌های کوچک و متوسط، تصویر مختلط است. شما داستان‌های وحشتناکی را درباره‌ی مردمانی می‌شنوید که نابود شده‌اند. اما داستان‌های اندکی در رابطه با موفقیت شرکت‌های روسی نیز وجود دارد که از فرصت [پیش‌آمده] برای پر کردن خلاءهای ناشی از رفتن رقبای خارجی استفاده می‌کنند. می‌توان گفت: موفقیت موفقیت بیشتر به همراه می‌آورد و شکست شکست بیشتر. اما در کل، وضعیت اقتصادی روبه‌اضمحلال است.

اشتفان اشمالز: فکر کنم موضوعی در میان است که هیچ‌کس مایل نیست از آن سخن به میان آورد: گزینه‌ی دیگر برای پر کردن این شکاف‌ها چین خواهد بود. روسیه و چین در سال‌های اخیر پیوندهای نزدیکی ایجاد کرده‌اند. پرسش اساسی این است که آیا شرکت‌های چینی گامی به‌پیش خواهند گذاشت. آیا آن‌طور که برخی از پژوهشگران می‌گویند (به‌عنوان نمونه لوکین ۲۰۱۸) روسیه «مجدداً به سمت شرق بازجهت‌دهی» خواهد کرد (فرانک ۱۹۹۸)؟

بوریس کاگارلیتسکی: خیر، این چنین فکر نمی‌کنم. روسیه همین حالا هم هر چیزی می‌تواند را می‌فروشد. و منافع چین در روسیه در حال کاهش است. حکومت و

کل دنیا بیش تر شبیه روسیه می شود

شرکت های چینی از خطر کردن در روسیه می پرهیزند، چرا که روسیه به صورت بالقوه در حال بدل شدن به مکانی به شدت ناپایدار و خطرناک است. آنان نگران محیط تجاری خود هستند. بازار روسیه در حال افول است. البته، حکومت روسیه انتظار جایگزینی چینی ها با غربی ها را داشت، اما در واقع، آنان همراه با غربی ها در حال ترک کشورند. بنابراین مسیر روسیه به سوی شرق (آن طور که غربی ها می گویند) کار نمی کند.

یانینا پودر: زیرا شرکت های چینی می خواهند از تحریم های بالقوه پرهیزند؟

بوریس کاگاریتسکی: بله، خطر تحریم وجود دارد. شرکت های چینی ممکن است سهم بازارشان را در محصولاتی نظیر یخچال و فریزر، گوشی های موبایل و چیزهای دیگر افزایش دهند. اما هنگامی که مسئله کالاهای استراتژیکی نظیر میکروچیپ ها پیش می آید، شرکت های چینی دیگر کمک نمی کنند. و همان طور که گفتم، تجار چینی هشیارند و معمولاً از خطرات غیرضروری پرهیز می کنند. احتمالاً هنگامی که پوتین برود اوضاع تغییر کند، اما فعلاً نمی دانیم زمان و چگونگی رفتنش به چه ترتیب خواهد بود. بنابراین شرکت های چینی صبر می کنند، آن ها حالا حالاها برای پر کردن خلاءهای ایجاد شده توسط شرکت های غربی زمان خواهند داشت.

اشتفان اشمالز: و اوضاع برای اولیگارش ها و مقامات دولتی روسیه که تحت تحریم قرار گرفته اند به چه ترتیب است. آیا کماکان به رژیم پوتین نزدیک اند یا مواضع کنونی شان چیست؟

بوریس کاگاریتسکی: هنگامی که جنگ آغاز شد، ما اینجا با چند روشنفکر منتقد بحث بسیار جالب توجهی در مورد منافع سرمایه داری در جنگ داشتیم. و همه می گفتند که گروه های ذی نفع اولیگارشیک حاکم در روسیه این روزها در حال خسران اند. وضعیت آنان رو به وخامت است. تنها نفع آنان شکست نخوردن در جنگ است. این مسئله بدین معنا نیست که آنان هیچ منفعتی در جنگ ندارند، بلکه حقیقتاً انتظار داشتند جنگ یک یا شاید دو هفته طول بکشد. این بدترین سناریویی بود که در تصور داشتند. و در آن سناریوی کذایی، فرصت های بسیاری برای غارت اوکراین وجود داشت، اما رخ نداد و اکنون آنان در جناح بازنده قرار دارند. همان طور که گفتم، وضعیت مدت ها پیش از جنگ رو به وخامت گذاشت. من فکر می کنم خود جنگ معلول

بحران است، نه علت آن. و از این منظر، جنگ به‌نظر نوعی راه‌حل سریع و مؤثر بود. اما جنگ به‌جای آن‌که اسباب منفعت الیگارش‌ها شود، مشکلات‌شان را وخیم‌تر کرد. و تا جایی که من می‌دانم، این افراد در حال حاضر بسیار ناامید و افسرده‌اند. آن‌ها تردیدهایی بسیاری نسبت به پوتین و اطرافیانش دارند، آنان نسبت به آینده‌ی خود در کنار پوتین نیز چنین تردیدهایی دارند.

یانینا پودر: نظر به بدگمانی طبقه‌ی حاکم «کهن» نسبت به پوتین و مشکلاتی که به سبب پیامدهای اقتصادی جنگ روبه‌رویشان قرار دارد، آیا در میان طبقه‌ی حاکم روسیه تعارضاتی جدید وجود دارد؟ و آیا شکافی وجود دارد که از جنگ ناشی می‌شود؟

بوریس کاگارلیتسکی: دو رویداد مهم وجود دارد: اول از همه، خود رژیم بیش از پیش اقتدارگرا، متمرکز و غیرعقلانی می‌شود. حلقه‌ی تصمیم‌گیرندگان به‌مرور محدودتر می‌شود. بسیاری از افراد، شرکت‌ها و گروه‌های ذی‌نفعی که سابقاً به‌شدت نفوذ داشتند اکنون کاملاً از فرایند تصمیم‌گیری بیرون گذاشته شده‌اند. و پدیده‌ی جالب توجه دیگری که در کتاب جدیدم شرح می‌دهم (کتابی که اکنون در حال نوشتن آنم) این است که متمرکزسازی دولت روسیه محصول جانبی ناکارآمدی آن است، زیرا حکومت مرکزی به بوروکراسی محلی و حتی بوروکراسی سطوح میانی اعتماد ندارد، این امر نیز تا حدی به‌خاطر کیفیت پایین مدیریت آنان است. مسئله‌ی فوق‌راه به دوری باطل می‌برد. دولت مرکزی آنان را از ظرفیت‌ها، منابع و قدرت تصمیم‌گیری‌شان محروم می‌سازد، که این منجر به زوال بیشتر کیفیت‌شان و نیاز به اعاده‌ی تمرکز قدرت می‌شود. این فرایند سال‌ها ادامه داشته و در نتیجه‌ی سطح بی‌تناسب متمرکزسازی منجر به وضعیتی مضحک شده است. امروزه، بسیاری از تصمیمات را پوتین به‌تنهایی (با کمی مشورت) می‌گیرد، که این امر نیز منجر به درجه‌ای از ناراضی در میان بخش‌های مهم بوروکراسی شده است. و اکنون، هیچ راهی برای حل این مشکل الا مرگ پوتین و نزدیک‌ترین دوستانش و الباقی طبقه‌ی حاکم روسیه نمی‌بینم. تعارضاتی در حال ظهور درون طبقه‌ی حاکم‌اند چرا که آنان هیچ استراتژی واضح و مشخصی را پیش روی نمی‌بینند. آنان در حال شروع نبرد با یک‌دیگرند. ثانیاً، انشعاب جدیدی در میان سرآمدان در حال ظهور است؛ انشعابی که از جنگ منفعت می‌برد. این گروه از

وضعیت فعلی راضی است و به ارتش تعلق ندارد. این گروه متشکل از افراد برآمده از بخش پروپاگاندا است، که با سرمایه‌گذاری‌های هنگفت به صنعتی مهم بدل شده و حتی در طول جنگ نیز بیشتر رشد یافته است. هرچه وضعیت بین‌المللی و جبهه‌های جنگ بدتر می‌شود، پول بیشتری روانه‌ی پروپاگاندا می‌شود. دستگاه‌های امنیتی بخش دیگری را می‌سازند. نه ارتش، که سیر فعلی جنگ موجب سرافکندگی‌اش شده، بلکه پلیس، FSB (سرویس امنیت فدرال فدراسیون روسیه)، سرویس‌های امنیتی مخفی و بخش پروپاگاندا در حال بدل شدن به پایگاهی جدید برای رژیم هستند.

یانینا پودر: پس سرآمدان قدیمی بیش از پیش چندپاره شده و انشعابات جدیدی که در حال ظهور درون طبقه‌ی حاکم هستند، دارای ذهنیتی اقتدارگراتر هستند؟

بوریس کاگاریلتسکی: بله کاملاً صحیح است. مسئله اینجاست که افرادی شکل‌دهنده‌ی طبقه‌ی حاکم جدیداند که به معنای سرمایه‌دارانه هیچ چیز تولید نمی‌کنند. آنان هیچ سودی ایجاد نمی‌کنند، حتی اولیگارشی‌های سنتی سود ایجاد می‌کردند. اما این طبقه‌ی جدید صرفاً منابع را از اقتصاد خارج می‌کند. و این سازوبرگ عظیم که کارش خارج کردن منابع از اقتصاد است، منابع را نه فقط از دست مردمان عادی بل از دستان اولیگارشی‌ها نیز خارج می‌کند. بنابراین، این نقطه همان جایی است که خطوط تعارض جدید میان سرآمدان روسیه از آن جا ظهور می‌کند.

یانینا پودر: مایلم نظرگاه [بحث] را عوض کنم. به نظر تحریم‌های اعمال شده بر روسیه در حال گرفتن گریبان کشورهای غربی است. به‌عنوان نمونه، تورم در اروپا در حال افزایش است و قیمت نفت و گاز در بازار جهانی به‌صورت هنگفتی افزایش یافته است. برخلاف دورنمای این تحول اجتماعی-اکولوژیک عمیق در جوامع غربی (بنگرید به دوره ۲۰۱۹)، محتمل است که این رخدادها منجر به تعارضات اجتماعی شوند. اثر جنگ بر اقتصادها و جوامع غربی چیست؟

بوریس کاگاریلتسکی: باید با این واقعیت شروع کنیم که در یک سو تغییر ساختاری جهانی و بازسازی اقتصادی پیش از جنگ نیز در حال وقوع بودند. به عنوان مثال، می‌توان این مسئله را در برنامه‌های جاه‌طلبانه‌ی اتحادیه اروپا برای نوآوری‌های تکنولوژیک و گذار به سوی انرژی‌های پاک‌تر مشاهده کرد. به نوعی می‌توان گفت که

جنگ در حال تسریع این فرایند است. در سوی دیگر، این پرسش ایجاد می‌شود که چه کسی قرار است بابت این گذار شگرف هزینه بدهد. پرسش کذایی منجر به تعارضاتی در جوامع غربی شده است. جنبش جلیقه‌زردهای فرانسه نمونه‌ای خوب است. جنبش جلیقه‌زرها از پذیرش آن که مردم عادی برای سیاست‌های محیط زیستی مالیات (به اصطلاح مالیات کربن) بپردازند، سرباز زد و استدلال کرد که این سیاست‌ها برای سود شرکت‌های بزرگ طراحی شده‌اند. پس جالب توجه است که سرآمدان در اکثر کشورهای غربی مطالبه‌ی مترقی سیاست‌های محیط‌زیستی را به دست گرفتند و آن را بدل به ابزاری مؤثر برای استثمار بیشتر افراد عادی کردند. جنگ بازی را عوض کرد: بخشی از تعارض بر سر قیمت‌ها و هزینه‌های روبه‌افزایش گذار به سوی انرژی‌های پاک برون‌سپاری خواهد شد. جنگ علیه پوتین، در بستر گذار ساختاری فعلی، توجیهی قدرتمندتر از ضرورت نجات زمین است و روسیه بابت آن هزینه‌ای گران خواهد پرداخت.

یانینا پودر: به هرروی، اکثر اقتصادها کماکان به شدت به سوخت‌های فسیلی وابسته هستند. آیا رقابت جهانی بر سر سوخت‌های فسیلی که ماحصل تنگناها ایجاد شده بر سر راه عرضه است، تشدید می‌شود؟ تنگنایی که پیامد جنگ اوکراین‌اند؛ جنگی که در آن از تأمین گاز به منزله‌ی اهرمی علیه غرب استفاده می‌شود.

بوریس کاگارلیتسکی: در حال حاضر، جنگ در حال تسریع فرایندی است که طی آن کشورهای غربی در پی جایگزینی نفت با دیگر منابع هستند. اما جنگ این فرایند را به حدی شتاب بخشیده که غرب قادر به جایگزینی آن با دیگر منابع تجدیدپذیر یا تجدیدنپذیر در کوتاه‌مدت نیست. به نظر، راه‌حل در بازتوزیع بازار نفت نهفته است. سهم برخی از بازارهای سابق روسیه ممکن است به عربستان و حتی ونزوئلا یا ایران واگذار شود. به علاوه، ایالات متحده نیز مجبور است بازگشتی قابل‌توجه به انرژی هسته‌ای داشته باشد. به لحاظ آزاد ساختن گازهای گلخانه‌ای و تأثیر اقلیمی، انرژی هسته‌ای به نظر در کوتاه مدت کم‌تر از سوخت‌های فسیلی و زیست‌سوخت‌ها مشکل‌ساز است. به طرز مضحکی، انرژی هسته‌ای به نظر امن‌ترین گزینه است. به هر طریق، به نظر

در حال حاضر روسیه مشتاق به حمایت از غرب در انجام دستورکار تحول عظیمش نیست.

یانینا پودر: نظر به نقش روسیه در مقام تأمین‌کننده‌ی گاز، استراتژی روسیه در رقابت جهانی بر سر منابع چیست؟

بوریس کاگارلیتسکی: پاسخ به این پرسش بسیار دشوار است، زیرا در یک سو روسیه نیاز به فروش گازش دارد. گاز برای روسیه یک منبع مهم و پایدار درآمدی است. در سوی دیگر، روسیه از گاز به‌عنوان سلاحی برای تحت فشار قرار دادن شرکا و رقبایش استفاده می‌کند. به‌هر روی، این تاکتیک تصمیم‌گیری خودش را مختل می‌سازد، چون هر دو گرایش با یک‌دیگر تعارض دارند. در کوتاه مدت، روسیه تلاش خواهد کرد که این گرایش‌ها را با کاهش فروش و افزایش قیمت جبران کند. این امر می‌تواند به امواج کوبشی مداوم بینجامد. روسیه احتمالاً در تاکتیک‌های خود مردد خواهد بود. بنابراین فکر نمی‌کنم روسیه اجازه دهد که اروپا یخ بزند، اما با ایجاد نوسان در عرضه‌ی گازش همه‌چیز را پیش‌بینی‌ناپذیر و ناپایدارتر خواهد ساخت. در صورتی که روسیه صادرات گاز خود را قطع کند، مسئله‌ی فوق می‌تواند به انبارکردن کالاها بینجامد. از این جهات، جهان بیش از پیش در حال شبیه شدن به روسیه است.

اشتفان اسمالز: بحران فعلی، جنگ اوکراین و بهای روبه‌افزایش نفت، به علل پایان «عصر طلایی سرمایه‌داری» در سال‌های واپسین دهه‌ی هفتاد میلادی جهان غرب شباهت دارد (مارگلین و شور ۱۹۹۰). جنگ ویتنام و شوک‌های قیمت نفت در ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ فشار شدیدی به نظام مالی جهانی وارد ساختند.

بوریس کاگارلیتسکی: خب، هم جنگ ویتنام و هم جنگ شش روزه میان اسرائیل از یک سو و مصر، سوریه و اردن از سوی دیگر، منجر به تحولاتی عمیق در بازار نفت شد. جنگ شش روزه تأثیری به‌مراتب بیشتر از جنگ ویتنام داشت. در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، هم الگوی کینزی غرب و هم الگوی شوروی کارامدی خود را از دست داده بودند. جنگ‌ها و تعارضات در طول این دوره منجر به دینامیکی شد که راه به سوی ظهور نولیبرالیسم در سال‌های ابتدایی ۱۹۸۰ میلادی برد. نمی‌گویم اکنون به کینزگرایی بازخواهیم گشت، اما امروزه آشکار است که آونگ پولانی (پولانی ۱۹۷۰)

در جهتی دیگر تاب خواهد خورد. البته، نیروهایی اجتماعی مخالف این تغییر نیز وجود دارند. نولیبرالیسم دوره‌ای ظفرمندانانه برای راست سیاسی و طبقه‌ی سرمایه‌دار بود. شاید چپ و طبقه‌ی کارگر در بلندمدت انتقام خود را بگیرند.

یانینا پودر: از نظرگاهی نظری چگونه می‌توانیم بحران فعلی را درک کنیم؟

بوریس کاگارلیتسکی: رویکرد شخصی من تحلیل تاریخ سرمایه‌داری است. همان‌طور که امانوئل والرشتاین (۲۰۰۴) و میخائیل پاکروفسکی (۱۹۲۵) تاریخ‌نگار نشان می‌دهند، اقتصادهای سرمایه‌داری طی چرخه‌ها توسعه یافته‌اند. همواره دوره‌هایی از جهانی‌سازی و جهانی‌زدایی وجود داشته است. در بازه‌های جهانی‌سازی عمدتاً سرمایه‌ی مالی و تجاری چیره بوده است. پاکروفسکی و همچنین وبر (۱۹۸۱) بدون استفاده از عبارات جهانی‌سازی و جهانی‌زدایی (که بعدتر توسط جامعه‌شناسی فیلیپینی، والدن بلو بسط یافتند)، استدلال کردند که دولت‌ملت‌ها به رقابت بر سر سرمایه‌ی متحرک گرایش دارند، در عین حال که سرمایه صنعتی ثابت است و نمی‌تواند بدان سرعت جابجا شود. از این‌رو، تاریخ سرمایه‌داری تاریخ چرخه‌های جهانی‌سازی و جهانی‌زدایی است، که توأمان است با چرخه‌های متناوبی که عمدتاً تعارضات اجتماعی و جنگ‌های گسترده به‌همراه دارد. به‌عنوان مثال، به‌گفته‌ی امانوئل والرشتاین، قرن شانزدهم یک دوره‌ی جهانی‌سازی بود در حالی که در اوایل قرن هفدهم اقتصادهای مرکانتیلیستی کولبری در اکثر کشورهای اروپایی (نظیر روسیه و فرانسه) غالب بودند.

یانینا پودر: اگر به ۱۰ الی ۱۵ سال آینده نگاه بیندازیم، جهان جهانی‌شده یا

جهان‌زدایی‌شده به چه شکل می‌تواند باشد؟

بوریس کاگارلیتسکی: مطمئناً شکلی از جهانی‌زدایی را تجربه خواهیم کرد. نقش دولت‌ملت‌ها افزایش خواهد یافت، اما به‌شدت متحول خواهد شد - شاید تا حدی که دیگر در معنای فعلی‌شان قابل شناسایی نباشند. ممکن است فرماسیون‌های سیاسی جهانی جدیدی در ورای دولت-ملت‌ها شکل بگیرد و این فرماسیون‌ها ممکن است مبتنی بر سیاست‌های بازار آزاد نباشند. آن‌چه واقعاً نیاز داریم برخی اشکال برنامه‌ریزی و تعاون دموکراتیک و شکل نوینی از دولت رفاه است که پا از الگوی بوروکراتیک سنتی فراتر می‌گذارد. بنابراین، بایستی دموکراسی را مجدداً کشف کنیم. کریستوفر لاش

(۱۹۹۶) و برخی دیگر به این واقعیت اشاره کرده‌اند که سرآمدان بسیاری از دموکراسی‌های صوری را طی ۲۰ الی ۳۰ سال اخیر از معنا تهی کرده‌اند. کشف مجدد دموکراسی شامل شکلی از دموکراسی مشارکتی پایین‌دستی (از جمله دموکراسی اقتصادی) خواهد بود. به نظر من، اتحادیه‌ی اروپا با شکل فعلی‌اش هیچ آینده‌ای ندارد. شاید از دل بحرانِ فعلی اروپایی نوین ظهور کند. در حال حاضر، ما درباره‌ی عضویت احتمالی اوکراین در اتحادیه اروپا بحث می‌کنیم. شاید نوعی کنگره‌ی وین نوین مورد نیاز است که کل اروپا، از جمله روسیه و اوکراین، را برای عقد پیمانی نوین برای اروپا فراهم جمع می‌کند. به جای پیمانی نولیبرال، نظیر پیمان ماستریخت یا لیسبون، چنین توافقی حقوق مردم را به بوروکراسی‌ها رجحان می‌دهد. اما آزادیم که بر سر همه چیز نبرد کنیم. نه درباره‌ی پیش‌بینی آینده، بل درباره‌ی مبارزه بر سر آن سخن می‌گوییم.

منابع:

- Bello, W. F. (۲۰۰۲). *Deglobalization. Ideas for a new world economy*. London: Zed.
- Bokat-Lindell, S. (۲۰۲۲). Will the Ukraine war spell the end of globalization? *The New York Times*, ۲۰۰۳.۲۰۲۲. <https://www.nytimes.com/۲۰۲۲/۰۳/۳۰/opinion/ukrainne-russia-globalization-end.html> Accessed: Aug. ۲۰۲۲.
- Christophers, B. (۲۰۲۲). *Rentier capitalism. Who owns the economy, and who pays for it?* London: Verso.
- Dörre, K., Rosa, H., Becker, K., Bose, S., & Seyd, B. (eds.). (۲۰۱۹). *Große Transformation? Zur Zukunft moderner Gesellschaften. Sonderband des Berliner Journals für Soziologie*. Wiesbaden: Springer VS.
- Frank, A. G. (۱۹۶۶). The development of underdevelopment. *Monthly Review*, ۱۸(۴), ۱۷-۳۱.

- Frank, A. G. (۱۹۹۸). *ReOrient. Global economy in the Asian Age*. Berkeley: University of California Press.
- Johnson, J., & Köstem, S. (۲۰۱۶). Frustrated leadership: Russia's economic alternative to the west. *Global Policy*, ۷(۲), ۲۰۷-۲۱۶.
- Kagarlitsky, B. (۱۹۹۳). *The disintegration of the monolith*. London: Verso.
- Kagarlitsky, B. (۲۰۰۸). *Empire of the periphery. Russia and the world system*. London: Pluto Press.
- Kolganov, A. (۲۰۱۸). *Put'k socializmu. Proydennjy i neproydennjy. Ot Oktqbr'skoy revolucii k tupiku "perestroyki"* Moscow: Lenand.
- Lasch, C. (۱۹۹۶). *The revolt of the elites and the betrayal of democracy*. New York: Norton.
- Lukin, A. (۲۰۱۸). *China and Russia. The new rapprochement*. Cambridge, UK: Polity.
- Maihold, G. (۲۰۲۲). A new geopolitics of supply chains. The rise of friendshoring. SWP Comment ۲۰۲۲/C ۴۵. <https://doi.org/10.18449/2022C45>. Accessed: Aug. ۲۰۲۲.
- Marglin, S. A., & Schor, J. (eds.). (۱۹۹۰). *The golden age of capitalism. Reinterpreting the postwar experience* Oxford: Oxford University Press.
- Pokrovsky, M. (۱۹۲۵). *Marksizm i osobennosti istoricheskogo razvitiq Rossii. Sbornik statey. ۱۹۲۲-۱۹۲۵* Leningrad: Priboy.
- Polanyi, K. (۲۰۰۱) [۱۹۴۴]. *The great transformation. The political and economic origins of our time*. Boston: Beacon.
- Posen, A. (۲۰۲۲). The end of globalization? What Russia's war in Ukraine means for the world economy. *Foreign Affairs*, ۱۷.۰۳.۲۰۲۲. <https://www.foreignaffairs.com/articles/world/2022-03-17/end-globalization>. Accessed: Aug. ۲۰۲۲.

Prebisch, R. (۱۹۵۰). The Economic development of Latin America and its principal problems. New York: United Nations Department of Economic Affairs.

Rosa, H. (۲۰۲۰). Pfadabhängigkeit, Bifurkationspunkte und die Rolle der Soziologie. Ein soziologischer Deutungsversuch der Corona-Krise. Berliner Journal für Soziologie, ۳۰(۲), ۱۹۱–۲۱۳.

Shubin, A. L. (۲۰۰۹). Velikaq depressiq i buduwee Rossii Moscow: Yausa.

Tarrow, S. (۱۹۹۸). Power in movement. Collective action, social movements and politics. Cambridge: Cambridge University Press.

Wallerstein, I. (۲۰۰۴). World-systems analysis. An introduction. Durham: Duke University.

Weber, M. (۱۹۸۱) [۱۹۲۳]. General economic history. New Brunswick: Transaction.